

# دوگانگی روش شورای امنیت در جنگ عراق و ایران و رویدادهای مشابه

دکتر منوچهر پارسادوست

کشورهای جهان سوم برای مصون ماندن از تهدیدها و آزمندهای قدرتهای متجاوز است. فصل پنجم منشور ملل متحد در باره شورای امنیت است. بند اول ماده ۲۴ منشور که اولین ماده مربوط به «وظیفه‌ها و اختیارات» شورای امنیت است تصریح می‌نماید «به منظور تأمین اقدام فوری و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌کنند و موافقت می‌نمایند که شورای امنیت در انجام وظیفه‌های خود که مربوط به این مسئولیت است از طرف آنها اقدام نماید.» طبق بند ۲ ماده ۲۴ منشور «شورای امنیت در انجام این وظیفه‌ها بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌نماید.» در مورد اینکه «مقاصد و اصول ملل متحد» چیست، نخستین بند ماده اول منشور تصریح می‌نماید که اولین و مهمترین مقصود ملل متحد «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» است و برای تحقق آن باید «اقدامهای همگانی مؤثر برای جلوگیری از هرگونه تهدید علیه صلح و برطرف کردن آنها و متوقف ساختن اعمال تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح به عمل آید و موجبات تصفیه یا حل اختلافهای بین‌المللی و یا هر وضعیت دیگری که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با وسایل مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل فراهم گردد.» تجاوز در حقوق بین‌الملل از مباحث مهم حقوقی

در نیمه اول سده بیستم میلادی، روحیه جنگ طلبی به اوج خود رسیده و بشریت زیر ضربه‌های سنگین جنگها با مصیبت‌ها روبه‌رو شده بود. بشر سده بیستم، دوبار به خاطر آزمندی و تمایلات توسعه طلبی قدرتهای زورمند در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ و ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ از ستمهای جنگ جهانی در ابعاد هراس انگیز آن تیره‌روز و غمبار شده بود. سختی مرارت‌های مردم جهان در جنگ جهانی دوم و لزوم اصلاح میثاق جامعه ملل که پس از جنگ جهانی اول تصویب شده بود و انطباق اصول آن با شرایط جدید، موجب تدوین حقوق بین‌المللی تازه‌ای گردید. منشور ملل متحد در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو به تصویب رسید و از ۲۴ اکتبر همان سال قدرت اجرایی یافت. منشور ملل متحد در آغاز مقدمه سرشار از همدردی با رنج‌ها و آرزوهای بشر جویای صلح، امنیت و عدالت اعلام می‌دارد «ما مردم ملل متحد مصمم هستیم، به منظور نجات نسل‌های آینده از بلیه جنگ که در زمان حیات ما دو بار بشریت را دچار اندوه ناگفتنی نموده است»<sup>۱</sup> سازمانی جهانی به نام «سازمان ملل متحد» تشکیل دهیم. نقش اساسی سازمان ملل جلوگیری از وقوع جنگ و در صورت بروز آن، پایان دادن سریع به آن است. سازمان ملل متحد و شورای امنیت که قوه اجرایی آن را تشکیل می‌دهد مرجع دادخواهی کشورها، به ویژه

ماده ۲- پیشدستی يك کشور در به کار بردن نیروی مسلح و در مغایرت با منشور دلیل بارز يك عمل تجاوز کارانه است...

ماده ۳- هر يك از اعمال زیر... با توجه به مفاد ماده ۲ و در انطباق با آن به عنوان يك عمل تجاوز کارانه توصیف می شود:

الف- هجوم یا حمله نیروهای مسلح يك کشور به اراضی يك کشور دیگر یا هر گونه اشغال نظامی ولو به طور موقت که ناشی از آن هجوم یا حمله باشد، یا هر گونه الحاق تمام یا قسمتی از اراضی يك کشور دیگر یا به کار بردن زور؛

ب- بمباران اراضی يك کشور توسط نیروهای مسلح کشور دیگر یا به کار بردن هر گونه سلاحی از طرف يك کشور علیه اراضی يك کشور دیگر؛

پ- محاصره بندرها یا ساحل‌های يك کشور توسط نیروهای مسلح يك کشور دیگر؛

ت- حمله نیروهای مسلح يك کشور به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی و یا ناوگان دریایی و هوایی يك کشور دیگر...؛

اکنون باید دید شورای امنیت سازمان ملل در اجرای وظیفه‌هایی که طبق منشور ملل متحد به عهده داشته و راهنماهایی که برای تشخیص تجاوز در دست داشته است در جنگ هشت ساله عراق و ایران چگونه عمل کرده است. هواپیماهای عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ده فرودگاه ایران را در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، همدان، دزفول، اهواز، آبادان، بوشهر و شیراز بمباران کردند و روز بعد حمله‌های زمینی عراق با ۱۲ لشکر مجهز، صدها تانک و دهها هواپیما در سه جبهه به طول ۵۵۰ کیلومتر از مرز طولانی دو کشور آغاز گردید. رویه بین‌المللی آن است که کشور مورد تجاوز بی‌درنگ به شورای امنیت شکایت می‌کند و تقاضای تشکیل جلسه فوری می‌نماید. ولی جمهوری اسلامی ایران از شکایت به شورای امنیت خودداری کرد. دبیر کل سازمان ملل طبق ماده ۹۹ منشور اختیار دارد توجه شورای امنیت را به هر موضوعی که از نظر او تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است جلب کند. او به جای آنکه تقاضای تشکیل جلسه رسمی کند

است. به همین جهت، پیوسته در نظر بوده است برای مصادیق مختلف آن تعریف جامع و کامل تدوین شود. در کنوانسیون‌های لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، و همچنین میثاق جامعه ملل در ۱۹۱۹ و منشور ملل متحد در ۱۹۴۵ قواعد و مقرراتی درباره جنگ و چگونگی جلوگیری از آن وضع گردید ولی نفس تجاوز تعریف نشد. مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۸ دسامبر ۱۹۶۷ قطعنامه ۲۳۳۰ را تصویب نمود و به موجب آن کمیته ویژه‌ای از حقوق‌دانهای برجسته بین‌المللی برای بررسی و تعریف تجاوز تشکیل گردید. اعضای کمیته بیش از شش سال درباره آن به بحث پرداختند و سرانجام در هفتمین نشست سالانه که در ۱۲ آوریل ۱۹۷۴ پایان یافت، متن تعریف تجاوز را مورد تصویب قرار دادند. آن متن در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ به تصویب رسید. در بند ۴ مقدمه تعریف تجاوز توصیه می‌شود که شورای امنیت سازمان ملل «تعریف تجاوز را به عنوان يك راهنما و بارعایت منشور [ملل متحد] در تشخیص دادن وجود عمل تجاوز کارانه مورد توجه قرار دهد».<sup>۲</sup>

مواد فصل هفتم منشور ملل متحد زیر عنوان «اقدام در مورد تهدیدها علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز کارانه» که شامل مواد ۳۹ تا ۵۱ می‌باشد از مهمترین فصلهای منشور است که قدرت اجرایی لازم و چاره‌ساز به شورای امنیت می‌دهد. ماده ۳۹ منشور وظیفه مهمی به عهده شورای امنیت می‌گذارد و مقرر می‌دارد «شورای امنیت وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا هر نوع عمل تجاوز کارانه را تشخیص خواهد داد و توصیه‌هایی خواهد نمود، یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی چه اقدامهایی باید بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ به عمل آید.»\* بدین ترتیب، ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت را مکلف به تشخیص «هر نوع عمل تجاوز کارانه» می‌کند و برای سهولت تشخیص باید مواد تعریف تجاوز را به عنوان «يك راهنما» مورد توجه قرار دهد.

ماده ۱ تعریف تجاوز تصریح می‌کند «تجاوز عبارت است از به کار بردن نیروی مسلح توسط يك کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی يك کشور دیگر...؛

از رئیس شورا که در آن موقع تائب سلیم نماینده تونس بود تقاضای تشکیل جلسه برای مشاوره نمود. جلسه شورا در عصر ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰- اول مهر ۱۳۵۹- برای «مشاوره غیررسمی» تشکیل گردید. چون جلسه رسمی نبود اعضای شورا پشت درهای بسته با یکدیگر به گفتگو پرداختند و در پایان، تائب سلیم رئیس شورا بیانیه‌ای صادر کرد. در آن بیانیه گفته شد «اعضای شورای امنیت امروز در طی مشاوره‌های غیررسمی نظرات خود را در مورد وضعیت بسیار وخیمی که بین ایران و عراق به وجود آمده است بیان داشتند... اعضای شورای امنیت از من خواسته‌اند که به نمایندگی از طرف آنان از دولتهای ایران و عراق درخواست کنم که به عنوان اولین گام برای حل اختلافها، از انجام هرگونه عملیات مسلحانه و هرگونه عملی که وضع مخاطره‌آمیز فعلی را تشدید نماید خودداری کنند و اختلافهای خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل نمایند.»<sup>۳</sup>

وقتی به موادی از منشور ملل متحد و تعریف تجاوز که در بالا گفته شد توجه کنیم و در نظر بیاوریم که از ماهها قبل زدوخوردها در مرزهای دو کشور ایران و عراق جریان داشته و هیچیک از آن دو کشور اقدامی در جهت حل اختلافها از راه مسالمت‌آمیز انجام نداده است، بیهوده بودن توصیه شورای امنیت آشکار می‌شود. بی‌تردید، کشورهای عضو شورای امنیت در آن زمان<sup>۴</sup>، به ویژه کشورهای آمریکا، شوروی سابق، انگلستان، فرانسه و چین که اعضای دایمی شورا و دارای حق وتو هستند دقیقاً از چگونگی اختلافهای ایران و عراق و عدم اقدام آنها برای حل اختلافها آگاه بودند. اگر دو کشور آمادگی برای حل اختلافها از راه مسالمت‌آمیز داشتند قبلاً آن را انجام می‌دادند و منتظر صدور بیانیه از طرف شورا که فاقد قدرت اجرایی است و جنبه توصیه دارد نمی‌ماندند. بیانیه شورای امنیت درباره کشوری که جنگ را آغاز کرده و لزوم عقب‌نشینی نیروی متجاوز به مرزهای شناخته شده بین‌المللی هیچگونه اشاره‌ای نداشت.

چون جنگ به شدت ادامه داشت و نیروهای عراقی به سرعت در داخل خاک ایران پیشروی می‌کردند، و جمهوری اسلامی ایران که می‌بایست از شورا تقاضای

تشکیل جلسه فوری می‌کرد همچنان از انجام آن خودداری می‌نمود، دو کشور مکزیك و نروژ طی نامه مشترکی از رئیس شورای امنیت تقاضا کردند جلسه شورا را تشکیل دهد. اولین جلسه شورای امنیت در ساعت ۷ بعدازظهر روز جمعه ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰- ۴مهر ۱۳۵۹- پنج‌روز پس از شروع تجاوز عراق تشکیل گردید.<sup>۵</sup> نماینده عراق در آن جلسه شرکت کرد ولی ایران از اعزام نماینده خودداری نمود و جلسه شورا بدون حضور نماینده ایران تشکیل یافت. آن جلسه فقط یک ساعت طول کشید و پس از سخنان دبیر کل سازمان ملل، نمایندگان مکزیك، نروژ و عراق پایان یافت.

دومین جلسه شورای امنیت برای رسیدگی به جنگ عراق و ایران در ساعت ۳ بعدازظهر روز یکشنبه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰- ۶مهر ۱۳۵۹- تشکیل شد. نماینده عراق در جلسه شرکت کرد و نماینده ایران همچنان از حضور در جلسه دوم شورا و شرکت در مذاکرها خودداری نمود. ابتدا تائب سلیم رئیس شورا اظهار داشت «هیچ لزومی نمی‌بینم یادآوری کنم که از همان آغاز مخاصمه‌ها، شورا از هیچگونه کوششی دریغ نکرده است و مشاوره‌ها بدون انقطاع، روز و شب ادامه داشته است... هدف ما آن است که جنگ هرچه زودتر قطع شود.»<sup>۶</sup> در آن جلسه، نخستین قطعنامه شورا درباره جنگ عراق و ایران به شماره ۴۷۹، به اتفاق آرا به تصویب رسید. بخشهای مهم آن نقل می‌شود:

«... با توجه به اینکه کلیه کشورهای عضو طبق منشور ملل متحد متعهد شده‌اند که اختلافهای بین‌المللی خود را با وسایل مسالمت‌آمیز و به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت مورد مخاطره قرار نگیرد حل نمایند؛

همچنین با توجه به اینکه کلیه کشورهای عضو متعهد هستند که در رابطه‌های بین‌المللی از هرگونه تهدید به زور یا به کار بردن آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری خودداری نمایند؛ با یادآوری این نکته که به موجب ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد؛

مصوب سازمان ملل است، در نخستین قطعنامه درباره جنگ عراق و ایران که پس از شش روز تأخیر صادر شد، درباره اراضی وسیعی از خاک ایران که زیر اشغال نیروی متجاوز عراق بود و لزوم تخلیه آن اراضی هیچ تذکری به عراق متجاوز نداد.

نیروهای عراقی در مدت شش روز پیشروی در خاک ایران شهرها و روستاهای زیادی را ویران کردند و خسارت‌ها به بار آوردند. شورای امنیت بر پایه مواد تعریف تجاوز و ماده ۳۹ منشور ملل متحد می‌بایست عراق را به عنوان کشور متجاوز اعلام می‌داشت و آن را مکلف به پرداخت خسارت می‌کرد. قطعنامه ۴۷۹ در آن باره سکوت ملامت‌بار سنگینی دارد.

در مقدمه قطعنامه ۴۷۹ یادآوری می‌شود که کشورها باید اختلاف‌های خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند و نباید علیه تمامیت ارضی یک کشور به زور متوسل شوند. اعضای شورای امنیت، در بند اول قطعنامه، از ایران مورد تجاوز و از عراق متجاوز به گونه یکسان می‌خواهند که «از به کار بردن بیشتر زور خودداری کنند.» این عبارت روشن می‌دارد که شورای امنیت پذیرفته است در رابطه‌های دو کشور «زور» به کار رفته است، و به کار بردن آن موجب نقض صلح و امنیت بین‌المللی، آن هم در منطقه مهم استراتژیک خلیج فارس می‌گردد. شورای امنیت فقط پذیرفت که زور به کار رفته است ولی وظیفه‌ای را که پس از پذیرفتن آن طبق منشور ملل متحد و مصوبات سازمان ملل به عهده داشت تعمداً و آگاهانه نادیده گرفت.

شورای امنیت دارای یازده عضو است. پنج کشور آمریکا، شوروی سابق و روسیه فعلی، انگلستان، فرانسه و چین عضو دائم شوروی و دارای حق وتو می‌باشند و ده عضو دیگر هر دو سال یکبار انتخاب می‌گردند. شورای امنیت، عملاً و در واقع، زیر نفوذ پنج کشور عضو دائمی، به ویژه آمریکا قرار دارد. آمریکا نیز در مورد منطقه استراتژیک بسیار مهم خلیج فارس حساس است. وقتی که شوروی در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۶ دی ۱۳۵۸) کشور افغانستان را اشغال نمود و یک گام بزرگ برای پیشتر نزدیک شدن به خلیج فارس برداشت، دولت آمریکا خطر را جدی احساس کرد و با

با ابراز نگرانی عمیق از وضعیت رو به گسترش بین ایران و عراق؛

۱- از ایران و عراق می‌خواهد که از به کار بردن بیشتر زور خودداری کنند و اختلاف خود را با وسایل مسالمت‌آمیز بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل نمایند؛

۲- از آنها مصر می‌خواهد که هر پیشنهاد مناسب را برای میانجیگری یا آشتی بپذیرند، یا به سازمانها یا نهادهای منطقه‌ای یا سایر وسایل صلح‌آمیز دیگر به انتخاب خود که اجرای تعهدهایشان را در منشور ملل متحد تسهیل کند متوسل شوند...»<sup>۷</sup> اعضای شورای امنیت به اعتبار گفته رئیس خود، از شروع جنگ تا صدور قطعنامه بالا، مدت شش روز «بدون انقطاع، روز و شب» درباره جنگی که بین دو کشور قدرتمند خاورمیانه، دو کشور واقع در ساحل خلیج فارس، دریایی که کشورهای ساحلی آن بیش از ۶۰ درصد ذخیره شناخته شده نفت جهان را دارد مذاکره کردند، و سرانجام قطعنامه‌ای تصویب نمودند که در آن وظیفه مهم و اصلی شورای امنیت برای اعاده صلح در منطقه حساس خلیج فارس به کلی نادیده گرفته شده بود. شورای امنیت - همان‌طور که گفته شد - موظف بود «اقدام فوری و مؤثر» برای پایان دادن به جنگ به عمل آورد. عراق در مدت آن شش روز بین ۹۰ تا ۱۱۰ کیلومتر در خاک ایران تجاوز کارانه پیشروی کرده بود و قطعنامه درباره لزوم عقب‌نشینی نیروهای متجاوز به مرزهای شناخته شده بین‌المللی هیچ اشاره‌ای نداشت. افزون بر آنچه درباره مواد منشور ملل متحد گفته شد، در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در رابطه‌های دوستانه و همکاری بین کشورها که در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ و طی قطعنامه ۲۶۲۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و از سندهای معتبر سازمان ملل به شمار می‌رود تأکید می‌شود:

«اراضی یک کشور نباید با تهدید به زور و یا به کار بردن آن از طرف یک کشور دیگر تصرف شود. هر تصرف ارضی که ناشی از تهدید یا به کار بردن زور باشد قانونی شناخته نمی‌شود.»

شورای امنیت که موظف به رعایت و اجرای اصول

نکته جالب آن است که دولت اتحاد جماهیر شوروی پس از پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی نظام گذشته طرفدار آمریکا، کوشش داشت با دولت جمهوری اسلامی ایران رابطه‌ای نزدیک برقرار کند. جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز به قدرت رسیدن اقدامهایی که به زیان آمریکا و در جهت منافع و مقاصد شوروی بود به عمل آورده بود. از جمله آن اقدامها:

- خروج از پیمان سنتو،
- قطع رابطه سیاسی با اسرائیل و قطع صدور نفت به آن کشور،
- قطع رابطه سیاسی با مصر، متحد آمریکا به علت امضای پیمان صلح جداگانه با اسرائیل،
- نزدیکی به کشورهای عضو جبهه پایداری مانند الجزیره، لیبی، سوریه، یمن جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین که کلیه آنها از دوستان شوروی بودند،
- بستن چهار پایگاه جاسوسی آمریکا در شمال ایران که علیه شوروی فعالیت می نمودند،
- ایجاد شرایطی که اکثر کارشناسان غربی، به ویژه کارشناسان آمریکایی از ایران خارج گردیدند،
- اعدام بسیاری از کسانی که در نظام گذشته دارای مقامهای عالی در امور کشوری و لشکری و اکثر آنان موافق داشتن رابطه‌های نزدیک با آمریکا بودند، و مهاجرت عده کثیری از آنان و مدیران سابق کشور به خارج،
- تبلیغات برای صدور انقلاب اسلامی و نگرانی زمامداران هواخواه آمریکا و غرب در کشورهای عربی جنوب خلیج فارس از قیام مردم علیه آنان،
- اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان گرفتن کارکنان دیپلماتیک و کنسولی آن و به دنبال آن، تبلیغات گسترده ضد آمریکایی در میان مردم ایران و مسلمانان جهان،
- ایجاد شرایطی که دولت آمریکا رابطه سیاسی خود را با ایران قطع نمود،
- تبلیغات در مورد مبارزه مستضعفان با مستکبران که با شعار کمونیستی در مورد مبارزه کارگران با سرمایه داران همسویی داشت،
- اجازه فعالیت علنی به حزب توده ایران که طرفدار

آن سریعاً به مقابله برخاست. ۲۷ روز بعد، کارتر رئیس جمهور آمریکا در جمع نمایندگان کنگره آمریکا در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ (۳ بهمن ۱۳۵۸) اعلام داشت «هر کوششی که از طرف نیروی خارجی به منظور برقراری تسلط در منطقه خلیج فارس انجام گیرد، به منزله حمله به منافع حیاتی ایالت‌های متحد آمریکا تلقی می شود. این حمله با تمام وسایل لازم از جمله استفاده از نیروی نظامی دفع خواهد شد.»<sup>۸</sup> قبل از کارتر، آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا نیز که کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت ملت گرای مصدق را با همکاری انگلستان برپا کرده بود همین نظر را در پیامی که در ۵ ژانویه ۱۹۵۷ (۱۵ دی ۱۳۵۵) برای کنگره آمریکا ارسال داشت بیان نموده بود.<sup>۹</sup> اکنون در منطقه «منافع حیاتی» آمریکا جنگ در گرفته و امنیت منطقه و آزادی عبور و مرور کشتیهای بزرگ نفتکش را در دریای خلیج فارس به خطر انداخته است. ظاهر آ باید گمان شود که آمریکا تحمل چنین وضعی را ندارد و هر چه سریعتر در رفع آن، پایان دادن به جنگ و اعاده صلح و امنیت به منطقه «منافع حیاتی» خود اقدام می نماید.

شوروی سابق نیز که همواره به نفوذ در آبهای گرم خلیج فارس می اندیشید و با عراق طبق پیمان ۹ آوریل ۱۹۷۲ (۲۰ فروردین ۱۳۵۱) دوستی و همکاری داشت، پس از اشغال افغانستان، با مبارزه مسلحانه میهن دوستان افغانی روبه‌رو شده و آمریکا و متحدان آن با دامن زدن به جنگ سرد، رویه مخالفت آمیز با آن دولت در پیش گرفته بودند. از سوی دیگر، جنگ عراق و ایران - همان طور که بعد روی داد - موجب تحکیم پایه‌های قدرت و نفوذ آمریکا در منطقه خلیج فارس می گردید و شوروی را برای نفوذ بیشتر در آن منطقه با دشواری‌ها روبه‌رو می نمود. در مورد کمک مؤثر جنگ عراق و ایران به نفوذ بیشتر آمریکا در منطقه خلیج فارس، ترویانوسکی<sup>۱۰</sup> نماینده شوروی در شورای امنیت، در جلسه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) - شش روز پس از شروع جنگ - ضمن سخنان خود به «امپریالیست‌ها» که می خواهند «از این جنگ بهره‌برداری کنند... و حضور نظامی و سیاسی خود را در منطقه تقویت نمایند»<sup>۱۱</sup> هشدار داده بود.

شوروی بود.

مذاکره بشینند.

دولت شوروی پس از پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی نظام گذشته در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، روز بعد، در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ دولت جدید ایران را به رسمیت شناخت. برژنف رهبر شوروی و دبیرکل حزب کمونیست آن کشور در گزارشی که در ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۱۳۵۹) پنج ماه و چهار روز پس از تجاوز عراق به ایران - به حزب کمونیست داد انقلاب ایران را تحسین کرد و آن را «واقعه بزرگی در حیات بین‌المللی سالهای اخیر»<sup>۱۲</sup> شمرد. او تصریح کرد جمهوری اسلامی ایران «در اساس خود ضد امپریالیستی است... ملت ایران در جستجوی راه خود به سوی آزادی و شکوفایی است. ما صادقانه خواستار موفقیت آن در این امر هستیم و حاضریم رابطه‌های خوب را با ایران بر اساس برابری حقوق و البته بر اساس دوستی متقابل بسط و توسعه دهیم»<sup>۱۳</sup>.

با چنین واقعیت‌هایی، و با توجه به پیمان دوستی و همکاری شوروی و عراق، احتمالاً انتظار بود که شوروی رویه بی‌طرفی در شورای امنیت در پیش گیرد و از همگامی با آمریکای «امپریالیست» در مخالفت با ایران خودداری کند؛ آمریکایی که طبق نظر نماینده آن در صدد بهره‌برداری از جنگ عراق و ایران برای حضور نظامی و سیاسی در منطقه خلیج فارس بود. ولی نماینده شوروی در شورای امنیت، طبق دستور دولت خود، همپای آمریکا و انگلستان و فرانسه و چین، به قطعنامه ۴۷۹ رأی موافق داد و از عدم شرکت در رأی‌گیری و یا از دادن حتی رأی ممتنع خودداری کرد.

قطعنامه ۴۷۹ عراق را متجاوز شناخت؛ او را مکلف به پرداخت خسارت نمود؛ و حتی نخواست که نیروهای متجاوز به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. بیانیه شورای امنیت که پنج روز پیش از تصویب قطعنامه ۴۹۷ صادر گشت همان خواسته‌ها را مطرح کرده بود ولی نتیجه‌ای نداده و جنگ با شدت بیشتر ادامه یافته بود. ایران نمی‌توانست و نمی‌بایست مادام که سربازان بیگانه خاک ایران را اشغال کرده بودند پیشنهاد تسلیم را بپذیرد؛ اسلحه را زمین بگذارد و با عراق بیروز و با حضور نظامی آن در خاک ایران پشت میز

صدام حسین رئیس‌جمهور عراق در نامه‌ای که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ (۴ مهر ۱۳۵۹) - دوروز پیش از صدور قطعنامه ۴۹۷ - به دبیرکل سازمان ملل نوشت هدف عراق را از تجاوز به ایران روشن کرده بود. او اظهار داشته بود «میل دارم تأکید نمایم که هدف عراق فقط آن است که ایران حقوق عراق را بر اراضی و حاکمیت آن را بر آبهای ملی [یعنی شط العرب]<sup>۱۴</sup> به نحو غیرقابل فسخ به رسمیت بشناسد.»<sup>۱۵</sup> صدام در سخنرانی خود در بغداد که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ - همان روزی که قطعنامه ۴۹۷ تصویب شد - ایراد نمود شروط بیشتری برای پایان دادن به جنگ پیشنهاد کرد. او در آن سخنرانی ابتدا به تجاوز به ایران و تصرف اراضی آن اعتراف کرد. او پس از ذکر مطالبی بیان داشت «ما به ارتش دلاور خود دستور دادیم با این دارودسته وارثان خسرو و مجوسان قرن بیستم مقابله کند... نیروی هوایی پیروزمند ما به پایگاه‌های دارودسته ایرانیان مجوس حمله کرد و خسارتهای سنگینی به آنها وارد کرد... در زمین، نیروهای شجاع پیاده نظام ما به سوی هدفهای تعیین شده حرکت کردند و در ظرف چندروز از ۲۲ سپتامبر تا به امروز مأموریت‌های خود را با شجاعت، قدرت، سرعت و در نهایت شایستگی انجام دادند. اکنون نیروهای ما در هدفهایی که برای آنها در قصر شیرین، مهران و سرپل ذهاب معین شده مستقر هستند... ارتش ما اکنون در محدوده اهواز، داخل شهر محمره [خرمشهر]، دزفول و تعدادی از شهرهای دیگر می‌باشد»<sup>۱۶</sup>.

صدام آنگاه شرایط خود را برای آتش بس اعلام داشت. او ضمن تأکید مجدد بر حاکمیت انحصاری عراق بر سراسر شط العرب اضافه کرد «ما همچنین از دولت ایران می‌خواهیم به اشغال سه جزیره عربی در خلیج عربی [خلیج فارس] یعنی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که شاه آنها را بازو اشغال کرد و دارودسته حاکم فعلی به اشغال آنها تا به امروز ادامه داده است پایان دهد»<sup>۱۷</sup>.

بدین ترتیب، از پیش آشکار بود که عراق در مذاکره با ایران چه خواسته‌هایی دارد. اعضای شورای امنیت، به‌ویژه آمریکا و سایر اعضای دائمی آن می‌دانستند که

پس از تصویب قطعنامه ۴۷۹، مک‌هنری<sup>۱۸</sup> نماینده آمریکا در جلسه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰، ضمن سخنان خود اظهار داشت «ما موظفیم که در اجرای مسئولیت‌هایمان [در شورای امنیت] اقدام کنیم... به همین جهت، ایالت‌های متحد آمریکا از قطعنامه‌ای که هم‌اکنون تصویب شد پشتیبانی نمود.»<sup>۱۹</sup> او سیاست آمریکا را از قول کارتر رئیس‌جمهور آمریکا توضیح داد و تأکید نمود آمریکا در جنگ عراق و ایران «روش قاطع و دقیق بی‌طرفی» را رعایت خواهد کرد و در آن «مداخله» نخواهد نمود. او از «دولت‌های ذینفع» که منظور بیشتر شوروی بود - خواست در اندیشه «بهره‌برداری از این اختلاف برای [رسیدن به] مقاصد خود» بر نیابند.

انتونی پارسونز<sup>۲۰</sup>، سفیر انگلستان در تهران در دوران انقلاب ایران و نماینده آن دولت در شورای امنیت ضمن یادآوری این واقعیت تاریخی که دولت انگلستان «سده‌ها با منطقه‌ای که اکنون به عنوان خاورمیانه شناخته شده در ارتباط بوده است» تأیید نمود جنگ عراق و ایران، نه تنها برای آن کشورها «بلکه برای تمام منطقه دارای تأثیرهای وسیعی است». او خواست که «جنگ فوراً قطع شود و به دنبال آن، اختلاف‌ها از راه مذاکره حل گردد.»<sup>۲۱</sup> نماینده دولت انگلستان که کشور او از گذشته دور در جریان اختلاف ایران و عثمانی، و سپس ایران و عراق بوده و در ایجاد آن نقش مؤثر داشته است به خوبی از ریشه‌های تاریخی آن اختلاف‌ها آگاه بود<sup>۲۲</sup> و می‌دانست که آن اختلاف‌ها به جایی رسیده که در آن شرایط از راه مذاکره قابل حل نیست و تنها راه آن «اقدام فوری و مؤثر» شورای امنیت در اعاده صلح و امنیت به منطقه است. اما او نیز مانند هم‌تای آمریکایی خود به صلح بین دو کشور نمی‌اندیشید و به همین جهت، هیچ اشاره‌ای به لزوم تخلیه اراضی اشغالی ایران از سوی نیروهای متجاوز عراقی، محکوم کردن عراق متجاوز و لزوم پرداخت خسارت ننمود.

پس از نماینده انگلستان، ترویانوسکی نماینده شوروی ضمن اشاره به «امپریالیست‌ها» برای بهره‌برداری از جنگ - که بیشتر گفته شد - اظهار داشت که دولت شوروی معتقد است که برای حل اختلاف‌ها نباید به

شط‌العرب از قرارداد دوم ارزروم در ۳۱ مه ۱۸۴۷ تا قرارداد الجزیره - عهدنامه مربوط به مرز و حُسن همجواری بین ایران و عراق در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ - به مدت بیش از ۱۲۸ سال مورد اختلاف دو کشور عثمانی و ایران و سپس عراق و ایران بوده و عراق پس از بسیاری زدوخوردها و رابطه‌های تیره و بحرانی سرانجام با امضای عهدنامه بالا و قبول خط تالوگ در آن رود مرزی - خط فرضی میانه قسمت عمیق آب‌های رود - حاکمیت مشترک دو کشور ایران و عراق را بر آن رود پذیرفته است. اکنون صدام بار دیگر ادعای گذشته را که برخلاف موازین بین‌المللی در باره حاکمیت مشترک دو کشور ساحلی بر رودهای مرزی بود عنوان کرده و افزون بر آن، خواهان چشم‌پوشی ایران از حاکمیت بر اراضی مسلم ایران - سه جزیره بالا - بود. کشورهای زورمند شورای امنیت - هر پنج کشور عضو دائمی - به گونه قطعی یقین داشتند که ایران چنان شرایط سنگینی را که علیه حاکمیت کشور است هرگز نخواهد پذیرفت و به دفع تجاوز و دفاع از تمامیت ارضی خود ادامه خواهد داد.

کشورهای عضو دائمی شورای امنیت، همه آنها: آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین با تخلف از اصول منشور ملل متحد و حمایت از عراق متجاوز تصمیم به ادامه داشتن جنگ عراق و ایران داشتند. اعضای شورای امنیت، از جمله آن کشورها، در قطعنامه ۴۷۹ که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ تصویب شد از بروز جنگ «براز نگرانی عمیق» نمودند، ولی پس از تصویب آن قطعنامه به مدت بیش از ۲۱ ماه در برابر کشتار مردم بی‌گناه، بمباران منطقه‌های مسکونی، کشته شدن کودکان دبستانی، ویران شدن دهها شهر و صدها روستا، نابود شدن صدها تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران نه تنها در اجرای وظیفه مهم خود برای برقراری صلح اقدام «فوری» به عمل نیاوردند بلکه اقدام «مؤثری» نیز نکردند. شورای امنیت در آن مدت طولانی، با وجود آگاهی دقیق از شدت یافتن جنگ، کشتار بیشتر و خرابی‌های سنگین تر هیچ قطعنامه‌ای صادر ننمود. آن شورا دومین قطعنامه را در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۲۱ تیر ۱۳۶۱) تصویب کرد.

آن نگرديد و خسارت اندکی وارد آورد. اسراییل که می‌پنداشت صدام پس از ساخت سلاح هسته‌ای ممکن است آن کشور را هدف بمب اتمی قرار دهد، در هنگامه جنگ عراق و ایران، در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ (۱۸ خرداد ۱۳۶۰) تأسیسات اذیراک را با هواپیما بمباران کرد و آن را منهدم نمود. روز بعد - در ۸ ژوئن - وزیر خارجه عراق به شورای امنیت شکایت کرد و تقاضای تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به تجاوز اسراییل نمود. دولت اسراییل نیز در همان روز به شورای امنیت اطلاع داد که راکتور اتمی عراق را بمباران و منهدم کرده است. اسراییل در نامه خود مدعی شد پس از آنکه ایران خسارت مختصری به راکتور اذیراک وارد کرد «صدام حسین اظهار داشت که ایرانیان بی‌جهت به آن هدف حمله کردند، زیرا آن تأسیسات تنها برای اسراییل ساخته شده است.»<sup>۲۵</sup> عراق به نامه اول خود اکتفا نکرد و در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۱ نامه دیگری به شورای امنیت نوشت و اظهار داشت «۹ هواپیمای اسراییلی به بغداد حمله کرد و تأسیسات هسته‌ای عراق را که برای مقاصد صلح‌جویانه بود بمباران نمود. اسراییل با قصد قبلی عمل تجاوز کارانه را علیه جمهوری عراق انجام داده و صلح بین‌المللی و امنیت منطقه را مورد تهدید جدی قرار داده است.»<sup>۲۶</sup> وزیر خارجه عراق از شورا خواست «تجاوز اسراییل را محکوم نماید و اقدام‌های بین‌المللی مؤثر از جمله تحریم‌های مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد را علیه آن به عمل آورد.»

شورای امنیت از ۱۲ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۸۱ - در مدت هفت روز - ۹ جلسه تشکیل داد. در جلسه صبح ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱ شورا، آنتونی پارسونز نماینده دولت انگلستان اظهار داشت «صرف نظر از مسایل انسانی و سیاسی مانند مسایل مهم و ضروری صلح، عدالت و امنیت، ما شدیداً نگران خطرهایی هستیم که با ادامه یافتن آشوب در منطقه‌ای با چنین اهمیت استراتژیک متوجه کل جامعه جهانی می‌گردد... رویداد اخیر، [حمله هوایی اسراییل به عراق] نگرانی ما را شدیداً عمیقتر کرده است... دولت من آن حمله را بدون هیچ ابهامی محکوم کرده است.»<sup>۲۷</sup> او تصریح کرد که حتی نخست‌وزیر انگلستان در مجلس عوام آن کشور راجع به حمله هوایی اسراییل به عراق

زور متوسل شد و اختلافها باید «منحصرأبوسایل مسالمت‌آمیز از راه مذاکره»<sup>۲۳</sup> حل گردد. دولت روسیه که دولت شوروی قدرت را از آن سلب کرد و جانشین آن شد، مانند دولت انگلستان در ایجاد آن اختلاف نقش مؤثر داشت. او مانند نماینده انگلستان می‌دانست که برای حل آن اختلاف، شورای امنیت باید وظیفه مسلم و اساسی خود را بی‌درنگ انجام دهد، ولی او نیز تعمداً و آگاهانه نخواست که عراق اراضی اشغالی را تخلیه کند، متجاوز شناخته شود و غرامت لازم پرداخت گردد.

در جلسه ۲۸ سپتامبر شورا، هیچیک از نمایندگان کشورهای عضو درباره لزوم انجام «اقدام فوری و مؤثر» که بر طبق ماده ۲۴ منشور موظف به انجام آن بودند، صحبت نکرد. هیچیک از آنها به لزوم عقب‌نشینی نیروهای متجاوز از اراضی اشغالی ایران، متجاوز شناختن عراق و لزوم پرداخت خسارت اشاره‌ای ننمود. آنان برای توافق درباره متن قطعنامه بی‌اثر و خلاف منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، شش روز «بدون انقطاع، روز و شب» مذاکره کردند. حاصل آن - همان‌طور که همه آنان می‌دانستند - ادامه جنگ بود. برای آنکه روشن شود شورای امنیت در موارد مشابه چه واکنشی نشان داده است برخی از آنها شرح داده می‌شود.

### شورای امنیت و تجاوز اسراییل به عراق

صدام حسین همواره در آرزوی رهبری جهان عرب، و دست کم منطقه خلیج فارس بود. او در برخورد با ایران در نظام گذشته و ناکامیهای دایمی، این گونه پنداشته بود که برای رسیدن به مقاصد خود باید از لحاظ نظامی قدرتمند شود. صدام افزون بر کوششهای گسترده و مداومی که برای خرید سلاحهای گوناگون به عمل آورد و موجب رقابت دو کشور ایران و عراق برای انباشتن زرادخانه‌ها از ابزار جنگی گردید، در اندیشه ساخت سلاحهای هسته‌ای نیز برآمد. تأسیسات وسیعی در اذیراک<sup>۲۴</sup> نزدیک بغداد برپا گردید و فرانسه در نظر داشت اورانیوم غنی شده در اختیار صدام قرار دهد. پس از تجاوز عراق به ایران، جمهوری اسلامی ایران که نگران دستیابی صدام به بمب هسته‌ای و پیامدهای آن بود اذیراک را با هواپیما بمباران کرد ولی موفق به انهدام

زمینی عراق به ایران مقایسه کنیم. ضمناً توجه داشته باشیم که در موقع اظهارات آن نمایندگان، جنگ عراق و ایران به شدت ادامه داشت و شورای امنیت تا آن زمان - بیش از هشت ماه پس از تصویب قطعنامه اول - هنوز قطعنامه دوم را تصویب نکرده بود و در برابر آن کشتار هراس انگیز و ویرانیهای سهمگین همچنان بی تفاوت و بدون احساس مسئولیت باقی مانده بود.

شورای امنیت، پس از تشکیل ۹ جلسه در مدت هفت روز، قطعنامه ۴۸۷ را به اتفاق آرا تصویب نمود. بخشی از آن در زیر آورده می شود:

«با ابراز نگرانی عمیق از خطری که با حمله هوایی اسرائیل، با قصد قبلی، به تأسیسات اتمی عراق در ۷ ژوئن ۱۹۸۱ متوجه صلح و امنیت بین المللی گردیده است...

۱- حمله نظامی اسرائیل را که نقض صریح منشور ملل متحد و هنجارهای رفتار بین المللی است قویاً محکوم می نماید؛

۲- از اسرائیل می خواهد که در آینده از مبادرت به چنین اعمالی و یا هر گونه تهدید خودداری نماید؛...

۶- نظر می دهد که عراق ذیحق است برای خسارتی که به آن وارد شده و اسرائیل نیز مسئولیت آن را پذیرفته است غرامت مناسب دریافت کند...

گفتنی زیاد است. فقط گفته می شود، شورای امنیت حمله های گسترده هوایی و سپس حمله های ۱۲ لشکر مجهز عراقی با صدها تانک و دهها هواپیمار «حمله» و «نقض صریح منشور ملل متحد» ندانست و به همین جهت، عراق را محکوم و موظف به پرداخت خسارت نکرد، ولی يك بار حمله هوایی اسرائیل را همه آنها دانست، آن را «قویاً» محکوم کرد و اسرائیل را موظف به پرداخت «غرامت مناسب» نمود.

### شورای امنیت و اشغال افغانستان<sup>۳</sup>

در اوج هیجانهای انقلابی و نابسامانیهای ایران و یکماه و هجده روز پیش از پیروزی انقلاب ایران، دولت شوروی در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ (۶ دی ۱۳۵۷) کشور

صحبت کرده و گفته است «آن حمله نشانه نقض شدید حقوق بین المللی می باشد... من کاملاً و قاطعانه حمله به عراق را محکوم می کنم.»

جلسه شورای امنیت در بعد از ظهر همان روز ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱ نیز تشکیل گردید. در آن جلسه ترویانوسکی نماینده شوروی بیان داشت «این عمل جنایتکارانه جدید اسرائیل که این بار علیه عراق مرتکب شده است موجهی از خشم و محکومیت به علت نقض فاحش اصول و عرف بین المللی و همچنین به علت تهدید جدی آن برای سرنوشت جهان نه تنها در خاورمیانه، بلکه فراسوی آن منطقه به وجود آورده است... در واقع حمله نیروی هوایی اسرائیل... جز يك عمل مستقیم تجاوز کارانه علیه حاکمیت يك کشور عضو سازمان ملل به چیز دیگری نمی تواند تعبیر شود... [حمله هوایی اسرائیل] قانون جنگل را جایگزین قوانین بین المللی نموده است... ما تنها نباید اسرائیل را محکوم کنیم، ما باید همچنین اقدامهایی برای متوقف ساختن سیاست جنایتکارانه آن به عمل آوریم.»<sup>۲۸</sup> نماینده شوروی افزون بر آن، ضمن آنکه تأکید نمود شورای امنیت باید در قطعنامه خود عراق را «شدیداً محکوم» نماید درخواست نمود تحریمهای مذکور در ماده ۴۱ منشور نیز درباره عراق اجرا شود.

نماینده آمریکا که سیاست «بی طرفی» آمریکارا در تجاوز عراق به ایران در جلسه شورای امنیت اعلام داشته بود، این بار، نماینده آن خانم کرک پاتریک<sup>۲۹</sup> در آخرین جلسه شورا برای رسیدگی به حمله اسرائیل به راکتور اتمی عراق که در ساعت ۳۰-۱۰ روز جمعه ۱۹ ژوئن تشکیل یافته بود ضمن بیانات خود اظهار داشت «حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته ای عراق ما را بهت زده کرد و ما فوراً این عمل را محکوم کردیم... آری، اسرائیل باید محکوم شود.»<sup>۳۰</sup> او بدین ترتیب، تلویحاً روشن داشت حمله های گسترده هوایی و زمینی عراق به ایران برای آمریکا غیر منتظر نبوده و به همین جهت «بهت زده» نشده است!

گفته های نمایندگان انگلستان، شوروی و آمریکارا در يك بار حمله هوایی اسرائیل به عراق، با گفته های همان نمایندگان در برابر حمله های مکرر هوایی و

فوراً از جزیره‌های فالکلند عقب‌نشینی کنند»<sup>۳۳</sup> در ۳ آوریل ۱۹۸۲ (۱۴ فروردین ۱۳۶۱)، یکسال و شش ماه و چهارده روز از جنگ ویرانگر عراق و ایران می‌گذشت و ایران با تحمل کشتارها و خرابیها و آوارگیهای گسترده مردم آن، و با وجود تنگناها، در تلاش بیرون راندن متجاوزان عراقی از خاک خود بود و شورای امنیت بی‌اعتنا به پیامدهای رنج‌افزای جنگهای شدید که جریان داشت همچنان سکوت سنگین و مصیبت‌بار خود را ادامه می‌داد و قطعنامه دوم را پس از گذشت آن همه مدت طولانی صادر نکرده بود.

شورای امنیت در مورد چند جزیره فاقد هرگونه اهمیت استراتژیک، در اولین قطعنامه «نقض صلح» راتشخیص داد، ولی در مورد جنگ عراق و ایران، در مهمترین منطقه استراتژیک جهان که آمریکا آن را منطقه «منافع حیاتی» خود اعلام داشته بود، پس از یک روز کمتر از هفت سال تمام از شروع تجاوز عراق، و پس از تصویب هفت قطعنامه و ۱۲ بیانیه و پس از آن همه تلفات و خسارتهای سنگین، برای نخستین بار در قطعنامه ۵۹۸ مصوب ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) وجود «نقض صلح» را محرز دانست.

### شورای امنیت و تجاوز عراق به کویت

جنگ عراق و ایران که طولانی‌ترین جنگ سده بیستم بود - طولانی‌تر از هر یک از جنگهای جهانی اول و دوم - قریب هشت سال طول کشید. این جنگ که موجب کشته و غلیل شدن صدها هزار از کودکان، زنان و مردان شد و بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت به ایران وارد کرد بدون آنکه عراق متجاوز شناخته شود\*\* و موظف به پرداخت خسارت گردد با برقراری آتش‌بس، عملاً از ۸ اوت ۱۹۸۸ و رسماً از ۲۰ اوت ۱۹۸۸ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) پایان یافت و نیروهای کلاه‌آبی سازمان ملل برای نظارت بر آتش‌بس و حفظ آن در مرزهای دو کشور ایران و عراق مستقر گردیدند. هنوز میان ایران و عراق پیمان صلح منعقد نگردیده و چگونگی اقدام دولت ایران در اجرای بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ درباره تعیین مسئول جنگ و بند ۷ قطعنامه درباره پرداخت خسارت، و اینکه اصولاً دولت ایران در آن دو

افغانستان را ظاهراً به بهانه دعوت دولت رسمی آن کشور اشغال نمود. جریان امر به شورای امنیت ارجاع گردید و شوراپس از مذاکره‌ها، در جلسه ۷ ژانویه ۱۹۸۰، پیش‌نویس قطعنامه‌ای را مورد تصویب اکثریت قرار داد که چون به علت و توی شوروی فاقد اعتبار گردید به ثبت نرسید. در آن پیش‌نویس، ضمن سایر موارد تأکید گردید:

«شورای امنیت ...

می‌خواهد که کلیه سربازان بیگانه بدون درنگ و بدون قید و شرط از افغانستان خارج شوند تا ملت افغانستان بدون مداخله [خارجی] و بدون هیچگونه فشار و اجبار شکل حکومتی خود را تعیین کند و سیستم اقتصادی و اجتماعی خود را انتخاب نماید»<sup>۳۴</sup>

توجه جلب می‌شود، شوروی به ظاهر به افغانستان حمله نظامی نکرد، بلکه به دعوت دولت وقت افغانستان و برای کمک به آن برای تأمین امنیت عمومی، سربازان خود را به آن کشور اعزام داشت. با وجود آن خواسته شد نیروهای خود را «بدون درنگ و بدون قید و شرط» از افغانستان خارج کند.

### شورای امنیت و جنگ انگلستان و آرژانتین

آنتونی پارسونز نماینده انگلستان در شورای امنیت در دوم آوریل ۱۹۸۲ (۱۳ فروردین ۱۳۶۱) طی نامه‌ای به شورای امنیت اطلاع داد که نیروهای آرژانتینی هم‌اکنون در حال حمله به جزیره‌های فالکلند<sup>۳۵</sup> هستند و تقاضای تشکیل جلسه فوری نمود. شورا برای رسیدگی به حمله به جزیره‌های دور افتاده‌ای در منتهالیه جنوب آرژانتین در اقیانوس اطلس که فاقد هرگونه اهمیت استراتژیک است، در همان روز و صول نامه تشکیل جلسه داد و روز بعد قطعنامه ۵۰۲ را با رأی موافق، یک رأی مخالف (پاناما) و چهار رأی ممتنع (شوروی، چین، لهستان و اسپانیا) تصویب کرد. شورا ضمن سایر مطالب، در اولین قطعنامه تأکید نمود: «با احراز وجود نقض صلح در منطقه جزیره‌های فالکلند

- ۱- آمرانه می‌خواهد مخاصمات فوراً قطع شود
- ۲- آمرانه می‌خواهد که نیروهای مسلح آرژانتینی

نوامبر ۱۹۹۰ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ (۲۵ دی ۱۳۶۹) برای عقب نشینی از خاک کویت و تخلیه آن کشور به صدام مهلت داد و چون او از پذیرش سریع آن خودداری کرد آمریکا و متحدان آن بر طبق تصویب شورای امنیت در ساعت ۳ صبح روز پنجشنبه ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ (۲۷ دی ۱۳۶۹) تأسیسات نظامی و اقتصادی عراق را مورد بمبارانهای سنگین قرار دادند و سپس با نیروهای عظیم حدود ۵۰۰/۰۰۰ نفر به خاک عراق هجوم آوردند. صدام پس از شکست در تمام جبهه ها و وارد آمدن تلفات و خسارت های سنگین به مردم و کشور عراق، چون خطر از دست دادن قدرت را جدی دید ناگزیر با تخلیه خاک کویت و پرداخت خسارت به آن کشور موافقت کرد.

در جریان حمله عراق به کویت - برخلاف تجاوز عراق به ایران - آمریکا و سایر کشورهای عضو دایم شورای امنیت، اشغال اراضی کویت را مخالف منافع خود در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس دانستند و به همین جهت، کوشیدند مواد منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الملل را با قاطعیت به مورد اجرا بگذارند. آنها در مورد تجاوز عراق به ایران و اشغال اراضی آن چنان نظری نداشتند.

دنیای سیاست، دنیای احساسات، حق و عدالت نیست. دنیای درک و شناخت واقعیت های درون کشور و شرایط بین المللی است. دنیایی است که در آن عموماً به منافع ملی اندیشیده می شود. هنری پالمستون<sup>۳۵</sup> وزیر خارجه و سپس نخست وزیر انگلستان در نیمه دوم سده نوزدهم گفته بود، انگلستان نه دشمنی دائمی دارد و نه دوستی دائمی، فقط منافع دائمی دارد.

### پی نوشتها

۱. کلیه عبارتهای مربوط به سازمان ملل متحد از متن انگلیسی آن ترجمه شده است.

۲. متن کامل تعریف تجاوز:

Official Records of the General Assembly, Resolution adopted on the Reports of the Sixth committee 1977. pp. 307-310

متنهای نقل شده بعدی از تعریف تجاوز از سند بالا ترجمه شده است.

\* ماده ۴۱ منشور درباره به کار بردن تحریم ها و انجام برخی اقدامهای غیر نظامی و ماده ۴۲ درباره به کار بردن نیروی نظامی علیه کشور متجاوز است.

3. Security Council Document. S/14190. 23 September 1980

مورد اقدامی به عمل آورده، اعلام نشده است. بجاست دولت ایران پس از آن همه تلفات و خسارت های سنگین و مرارت های غمبار که به مردم ایران وارد شد، و با توجه به آنکه بیش از ۱۹ سال از پایان جنگ می گذرد مردم ایران را در جریان امر قرار دهد.

صدام پس از پایان جنگ، در اولین ساعت روز ۲ اوت ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ۱۳۶۹) به کشور کوچک کویت که در طول هشت سال جنگ همه گونه کمک های مالی و سیاسی به عراق کرده بود حمله نمود و آن را اشغال کرد. در هر دو مورد - ایران و کویت - کشور عراق متجاوز بود. شورای امنیت تأمل نکرد که لااقل آفتاب ۲ اوت طلوع کند. آن شورا در سیپده دم همان روز، اندکی پس از تجاوز عراق به کویت تشکیل جلسه داد. در همان نخستین جلسه - با آن شتاب استثنایی - قطعنامه ۶۶۰ به اتفاق آرا و با ۱۴ رأی موافق به تصویب رسید. ۳۴ در این قطعنامه تأکید شد:

«شورای امنیت

با احساس خطر از تهاجم نیروهای نظامی عراق به کویت در ۲ اوت ۱۹۹۰؛

با تشخیص اینکه در تهاجم عراق به کویت، صلح و امنیت بین المللی نقض گردیده است؛

با اقدام طبق مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد؛

۱- تهاجم عراق به کویت را محکوم می کند؛

۲- می خواهد که عراق فوراً و بدون قید و شرط کلیه نیروهای خود را به مواضعی که در اول اوت

۱۹۹۰ مستقر بود به عقب بفرخواند؛ ...»

صدام از پذیرش آن قطعنامه خودداری کرد و به اشغال کویت ادامه داد. شورای امنیت در همان ماه اوت ۱۹۹۰ چهار قطعنامه دیگر صادر کرد و در آنها تحریم هایی به عراق تحمیل نمود. در آن قطعنامه ها کشورهای عضو سازمان ملل از خرید کالای عراقی و یا صدور کالا به آن کشور، به استثنای مواد غذایی و دارویی منع شدند و محاصره دریایی عراق و کویت زیر اشغال عراق انجام گردید. صدام که جاه طلبی و طولانی بودن حکومت استبدادی او بر عراق، او را از واقع بینی به دور کرده بود همچنان از پذیرش تصمیم شورای امنیت درباره تخلیه کویت امتناع کرد. شورای امنیت تا پایان نوامبر ۱۹۹۰ هفت قطعنامه دیگر، افزون بر پنج قطعنامه قبلی، صادر نمود. شورا در آخرین قطعنامه به شماره ۶۷۸ مورخ ۲۹

17. Ibid., p. 218
18. Mc Henry  
۱۹. متن کامل سخنان نماینده آمریکا  
Security council Document. S/PV/ 2248. 28 September 1980. pp. 13-17
20. Sir Anthony Parsons  
۲۱. متن کامل سخنان نماینده انگلستان  
Ibid., pp. 23-26
۲۲. برای آگاهی از شروع اختلاف ایران و عثمانی درباره شط العرب و نقش دولتهای انگلستان و روسیه در آن و چگونگی ادامه آن به «ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق» تألیف نگارنده مراجعه شود.
۲۳. متن کامل سخنان نماینده شوروی  
Ibid., pp. 26-28
24. OSIRAK
25. Security Council Document. S/14514. 10 June 1980
26. Security Council Document. S/ 14514. 10 June 1980  
۲۷. متن کامل سخنان نماینده انگلستان  
Security Council Document. S/PV/2282. 15 June 1980. pp. 41-44
۲۸. متن کامل سخنان نماینده شوروی  
Security Council Document. S/PV/ 2283. 15 June 1980. pp. 21-30
29. Kirk Patric  
۳۰. متن کامل سخنان نماینده آمریکا  
Security Council Document. S/PV/ 2287. 19 June 1980. pp.2-7
31. Department of State Bulletin. United States. January 1980. p.D.
32. Falkland Islands
33. Security Council Supplement. April, May and June 1982. p.14
- \* خاویز برز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل در آخرین گزارش خود به شورای امنیت در ۷ دسامبر ۱۹۹۱ که در آستانه پایان مدت ۱۰ سال دبیر کلی سازمان ملل ارسال داشت عراق را متجاوز اعلام نمود ولی شورای امنیت به آن بی‌اعتنا ماند و اقدامی نکرد.
۳۴. نمایندگان شورای امنیت هنگام حمله عراق به کویت، افزون بر پنج کشور عضو دائمی عبارت بودند از: کانادا، کلمبیا، کوبا، فنلاند، رومانی، اتیوپی، ساحل عاج، زئیر، یمن و مالزی. نماینده یمن در رأی گیری جلسه ۲ اوت ۱۹۹۰ شورای امنیت شرکت نکرد.
35. Henry Palmerston
۴. کشورهای عضو شورای امنیت در ۱۹۸۰ عبارت بودند از: آمریکا، شوروی سابق، انگلستان، فرانسه، چین، آلمان شرقی، نروژ، پرتغال، مکزیک، جامائیکا، نیجر، زامبیا، بنگلادش، فیلیپین و تونس.
۵. جلسه شورای امنیت زیر عنوان «وضعیت بین ایران و عراق» تشکیل گردید. کلمه «وضعیت» در ماده ۳۴ منشور به کار رفته و در مواردی باید عنوان شود که جنگ روی نداده و ادامه اختلاف ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد. این عنوان در تمام جلسه‌های شورای امنیت در طول هشت سال جنگ به کار رفته و نشانه سوءنیت و تخلف شورای امنیت از اجرای وظیفه‌هایش می‌باشد. از توضیح پیشتر به علت جلوگیری از درازای کلام خودداری می‌شود.
6. Security Council Document. S/PV/2298- September 1980- pp.2-7
7. Security Council Document. S/14201. 28 September 1980
8. Jimmy Carter, **Keeping Faith, Memories of a President**. Bantam Books, New York. London 1982. p. 483
9. Philip Rondot, Les Etats du golf a la recherche d'une Politique regionale de defense. Dans la documentation francaise. No. 409. 27 Fevrier 1981. p. 23
10. Troyanavosky
11. Security Council Document. S/PV/ 2284-28 September 1980. pp. 23-26
۱۲. اطلاعات، ۹ اسفند ۱۳۵۹
۱۳. همان روزنامه، همان تاریخ
۱۴. با اقدام جمال عبدالناصر به علت تمایلات افراطی نژادی و ابراز مخالفت با ایران که اسرائیل را به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخته بود و با جو افراطی میهن دوستی که رادیو صوت العرب قاهره و تبلیغات ایدئولوژی بعثی که بر پایه وحدت اعراب و تشدید احساسات میهن دوستی بود در جهان عرب به وجود آورده بود گروهی از اعراب نام تاریخی خلیج فارس را که همیشه خلیج فارس خواهد بود تغییر دادند و خلیج عربی نامیدند. از آن پس، برخی از ایرانیان نیز نام شط العرب را ارون درود گذاشتند. ارون درود نام فارسی دجله است و بر شط العرب که از التقای دورود دجله و فرات تشکیل می‌گردد اطلاق نمی‌شود. فردوسی در شاهنامه می‌گوید:
- اگر پهلوانی ندانی زبان به تازی تو ارون درادجله خوان  
شأن فرهنگی ایرانی نیز نیست که نامهای شناخته شده جغرافیایی را به علت واکنش احساسی تغییر دهد.
15. Security Council Document. S/14199. 26 September 1980
16. Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Iraq. Documentary dossier, p. 217